
ویژگی‌های کنونی

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران

◀ فصل اول: جمعیت

◀ مسائل و مشکلات

- انباشت شدید جمعیت در مقاطع سنی ۲۹-۱۵ ساله به گونه‌ای که در حال حاضر از هر سه نفر جمعیت ایران یک نفر در این گروه سنی متمرکز است.
- تداوم روند جریان سرریز مهاجران از مناطق روستایی و استانهای کمتر توسعه یافته به کانونهای شهری و قطبهای صنعتی و کلان‌شهرها
- تشدید تمرکزگرایی جمعیت در قطبهای صنعتی و کانونهای بزرگ شهرنشینی کشور
- تشدید افزایش شمار و نسبت زنان بالقوه بارور (۴۹ - ۱۵ ساله) که در صورت اختلال در فعالیتهای تعدیل مولید ممکن است به ازدیاد مولید منجر شود.
- گسترش حاشیه‌نشینی در پیرامون کلان‌شهرها و پیدایش قرارگاههای جدید سکونت ناشی از مکان‌گیری مهاجران
- ناپایداری شغلی و درآمدی حاشیه‌نشینان مهاجر که ممکن است زمینه تعارضهای رفتاری آنها را موجب شود.
- تغییر مداوم الگوی کاربری منابع طبیعی به ویژه آب به سود کلان‌شهرها با ابعاد هزینه‌بری بسیار سنگین که نتیجه قهری آن، پیدایش عدم تعادل بیشتری از لحاظ جغرافیایی در الگوی تخصیص منابع فیزیکی ملی می‌باشد.
- گرایش تحولات ساختاری جمعیت از سطوح پایین دوره‌های آموزشی، به سمت سطوح بالاتر دبیرستانی و آموزش عالی
- تجمع بیشتر بیکاران مهاجر در حوزه‌های مستقیم راهبردی شهرهای بزرگ
- رشد فزاینده فضاهای زیست و کالبدی شهرهای بزرگ و مراکز اداری-سیاسی استانها
- تشدید تمایزات رفتارهای جمعیتی بین مناطق توسعه یافته و عقب مانده

- انباشت نسبتاً سنگین اقتصاد ایران از مازاد نیروی کار و جمعیت بخصوص اقتصاد مناطق روستایی

◀ فصل دوم: رشد اقتصادی

◀ مسائل و مشکلات

۱- تخصیص نامطلوب منابع

در ایران به دلیل دسترسی به منابع عظیم نفت خام و گاز و به دنبال آن، درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت خام در بازارهای جهانی، نرخ سرمایه‌گذاری فیزیکی که یکی از عوامل کلیدی و تعیین کننده رشد می‌باشد همواره بالا بوده است. اما نحوه تخصیص این منابع عمدتاً توسط بخش عمومی صورت گرفته که عمدتاً از کیفیت و کارایی پایین برخوردار بوده و بنابر این علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های عظیم فیزیکی انجام شده توسط بخش عمومی زیرساختها به طرز هشداردهنده‌ای ناکارا باقی مانده‌اند. وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی و تکانه‌های نفتی در سالهای اخیر همچنان یکی از علل اصلی نوسانات تولید بخشی، به ویژه برای بخشهای نفت و صنعت به شمار می‌رود. این مسئله طی سالهای (۸۰-۱۳۷۹) بعد از حوادث یازدهم سپتامبر کاملاً "ملموس است. تکانه‌های منفی نفتی از دو جهت تولیدات را محدود می‌کند. یکی از ناحیه محدودیتهای وارداتی (مواد کالاهای نیمه تمام موردنیاز فرایند تولید) به دلیل محدودیتهای ارزی و دیگری از جهت محدودیتهای منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری است. مطالعات در زمینه الگوهای رشد در ایران نیز در مورد تأثیر سرمایه‌های فیزیکی بر رشد اقتصادی حاکی از تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری فیزیکی بین (۰/۲٪) تا (۰/۵٪) در ازای (۱٪) افزایش در سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی می‌باشد که حاکی از کارایی پایین سرمایه فیزیکی در اقتصاد ایران می‌باشد.

۲- انتقال ناکارای پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری

انتقال ناکارای پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری مورد دیگری است که می‌توان به آن اشاره نمود. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران ناکافی و ناکارا است. یکی از دلایل ناکافی بودن آن این است که

بخش مالی به طور مناسب پس اندازها را در مسیر پروژههای مولد سرمایه گذاری قرار نمی دهد و تابعی از سیاستهای بخش عمومی می باشد. زیرا عمدتاً تحت سلطه سیستم بانکی کشور بوده و این سیستم نیز از سیاستهای بخش عمومی تأثیر می پذیرد. علی رغم تسلط بانکها بر بخش مالی به اندازه کافی کارا نبوده که بتوانند نقش حساسی را که بانکها باید در فرایند رشد و توسعه اقتصادی بازی کنند، ایفا نمایند به طوری که همواره در ایران وام دهی عمدتاً کوتاه مدت و مرتبط با تجارت بوده و حجم بسیار کمی از آنها در جهت سرمایه گذاری مولد بلندمدت می باشد. عدم رقابت کارا و سالم بین بانکها باعث فقدان نوآوری در خدمات دهی مالی شده و با توجه به ساختار اقتصاد در ایران شرایط برای ورود در سطوح عملی و بین المللی رقابت فراهم نشده که مسائل مذکور باعث ناکارآمدی بانکها شده است.

۳- سیستم ناکارآمد دولتی

جهت گیری های اقتصادی به طرف سیستم ناکارآمد دولتی و عدم تخصیص بهینه این منابع توسط بخش عمومی بوده است. عدم تخصیص بهینه و نارسایی اعتبارات باعث طولانی و غیراقتصادی شدن پروژه های عمرانی گردیده است. در حالی که مطالعات الگوهای رشد در این زمینه حاکی از تأثیرگذاری مثبت و ضعیف هزینه های عمرانی بر تولید می باشد، این موضوع در مورد هزینه های جاری تأیید نگردیده است.

۴- بی ثباتی سیاسی منطقه و داخل کشور

یکی دیگر از مشخصه های اقتصاد ایران و تأثیرگذار بر عملکرد رشد اقتصادی متوازن، بی ثباتی است. ایران همواره از آشوبها و برخوردهای اجتماعی داخلی، جنگهای منطقه ای (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جنگهای افغانستان، جنگ عراق و کویت و ...) متأثر بوده است. این عوامل رونق و شکوفایی سرمایه گذاری مولد را از بین برده است.

۵- محیط ضعیف و نامناسب تجاری

محدودیت مهم دیگر، فرایند عدم دسترسی به رشد اقتصادی، محیط ضعیف و نامناسب تجاری می باشد. زد و خوردهای اجتماعی و نظامی در وخیم نمودن مستمر این محیط بی تأثیر نبوده اند. مطالعات

الگوهای رشد در زمینه تجارت خارجی نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی پسماند مصرف بوده و تأثیری بر رشد نداشته است. البته باز بودن اقتصاد تأثیر مثبتی روی رشد اقتصاد داشته که متأثر از صادرات نفت و واردات، جهت ساخت کالاهای داخلی می‌باشد. علاوه بر موارد مذکور، قوانین و مقررات پیچیده، مجوزها و سایر اختلالات نهادی نیز در این امر سهم قابل توجهی داشته‌اند. اغلب سرمایه‌گذاران خصوصی به دلیل فرایندهای پیچیده و دست و پاگیر اداری از کشور خارج شده و یا در بخشهای غیرمولد سرمایه‌گذاری نموده‌اند و این موضوع باعث ایجاد رقابت ضعیف و اندک گردیده که منجر به ناکارایی بیشتر و عدم نوآوری سیستم اقتصادی گردیده است.

۶- کیفیت پایین نیروی انسانی

از نکات دیگر مربوط به رشد اقتصادی در ایران، کیفیت پایین نیروی انسانی می‌باشد. ایران طی سالهای اجرای برنامه‌های توسعه خود نه تنها همواره از انباشت سرمایه انسانی اندک برخوردار بوده، بلکه کیفیت سیستم آموزشی آن نیز بسیار پایین بوده و اصولاً متناسب با نیازهای بنگاههای مولد نبوده است. همچنین سیستم آموزشی، همواره در راستای وفق با جهان پویا و تغییرات سریع فنی ناکام بوده و محصولات این سیستم برای دنیای امروز و فناوری موجود پرورش داده نشده است. برآوردهای انجام شده در الگوهای رشد اقتصادی حاکی از دامنه تأثیرگذاری نیروی کار بین ۰/۴۷ تا ۰/۸۷ به ازای (۱٪) افزایش در نیروی کار بر رشد اقتصادی می‌باشد که در صورت تغییر نگرش نسبت به نیروی انسانی به عنوان سرمایه انسانی و تغییر سیستم آموزشی، این تأثیر به مراتب بیشتر خواهد شد.

۷- کاهش طول دوره‌های تجاری

بررسی دوره‌های تجاری ایران نشان می‌دهد که طول دوره‌های تجاری در تطابق با وضع فعلی اقتصاد جهانی و داخلی در حال کوتاه شدن می‌باشد.

۸- نوسانهای بخشها

بررسی عملکرد بخشها نشان می‌دهد که دامنه نوسان بخش کشاورزی با نوسانهای رشد اقتصادی کشور نزدیکتر بوده و بخشهای نفت، صنایع و معادن و خدمات نوسانهای بیشتری داشته‌اند. به عبارت

دیگر درجه نوسانهای بخشهای غیر کشاورزی در دورههای رونق و رکود بیشتر از بخش کشاورزی بوده و این موضوع در مورد بخش خدمات بسیار حادثر می باشد.

۹- روند نزولی سهم بخش کشاورزی

سهم بخش کشاورزی در تولید در سالهای اخیر روندی نزولی داشته است و این امر به دلیل ریسک بالای سرمایه گذاری در این بخش نسبت به سایر بخشها بوده است و علاوه بر این موارد ساختار اقلیمی و کم آب کشور و توزیع ناهمگون آن، ضعف بازاریابی، نبود نیروی انسانی ماهر و ... از دیگر دلایل کاهش سهم آن می توان ذکر نمود.

۱۰- روند صعودی بخش صنایع و معادن

سهم بخش صنایع و معادن در ایران، روند صعودی ملایم را طی نموده است. اما ساختار دولتی این بخش، فراهم نبودن بسترهای نهادی و قانونی برای فعالیت کارآمد بخش خصوصی، پراکنده بودن واحدهای تولیدی، مدیریتهای مختلف بر واحدهای صنعتی و همچنین عدم نگرش صحیح تصمیم گیران در مورد این بخش منجر به ناکارآمدی آن گردیده است.

۱۱- بالا بودن سهم بخش خدمات

سهم بخش خدمات از بخشهای دیگر اقتصاد همواره بالاتر بوده است. به دلیل ساختار دلالتی، نگرش تصمیم گیران نسبت به این بخش همواره منفی بوده، در حالی که این بخش در حال حاضر در دنیا، یکی از بخشهای مولد و سودآور می باشد و بخش خدمات می تواند جایگاه ویژه ای در اصلاح سیستم اقتصادی کشور ایفا نماید.

۱۲- بهره‌وری پایین سرمایه، نیروی کار و کل عوامل تولید

یکی از منابع مهم رشد اقتصادی بهره‌وری می باشد. در اقتصاد ایران آمارها حاکی از پایین بودن میزان بهره‌وری عوامل تولید و همچنین در برخی موارد همانند بهره‌وری سرمایه روند آن نیز در سالهای اخیر نزولی بوده است.

◀ فصل سوم: سرمایه‌گذاری

◀ مسائل و مشکلات

- یکی از عوامل تعیین‌کننده کلیدی رشد، کیفیت پایین پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد. اگر چه مقادیر کلی سرمایه‌گذاری حاکی از وجود روندهای نسبتاً امیدوار کننده‌ای بوده ولی وضعیت طرح‌های سرمایه‌گذاری یا به عبارتی وضعیت کیفی پروژه‌های سرمایه‌گذاری نامناسب می‌باشد. یکی از مهم‌ترین موارد منعکس کننده وضعیت کیفی پروژه‌های سرمایه‌گذاری تأخیر پروژه‌ها نسبت به برنامه‌های زمانی می‌باشد که از جمله علل آن، نارسایی اعتبارات (۳۸/۷٪)، ضعف بعضی از دستگاه‌های اداری (۶/۷٪) و ناتوانی برخی از پیمانکاران در اجرای پروژه‌ها (۳/۲٪) گزارش شده است. به عنوان نمونه مجموعه پروژه‌هایی که قبل از برنامه دوم توسعه شروع شده ۱۸۷۴ پروژه بوده که (۲۱/۱٪) کل پروژه‌ها را تشکیل داده است. وزن اعتبار کل این پروژه‌ها، نسبت به تمامی پروژه‌ها (۳۳/۲٪) بوده و میانگین وزنی پیشرفت فیزیکی آنها حدود (۶۴/۸٪) است. میانگین مدت اجرای آنها ۱۴ سال است. این شاخصها مبین عملکرد نامطلوب سرمایه‌گذاری دولتی در ایران می‌باشد.

جدول شماره ۱- تصویر کلی وضعیت پروژه‌های سرمایه‌گذاری تا سال ۱۳۸۰

زمان شروع	تعداد	درصد از کل	وزن اعتبار نسبت به تمامی پروژه‌ها	میانگین پیشرفت فیزیکی	میانگین مدت اجرا
قبل از برنامه دوم	۱۸۷۴	۲۱/۱	۳۳/۲	۶۴/۸	۱۴ سال
طول برنامه دوم	۲۸۰۴	۳۱/۵	۲۸/۹	۴۶/۶	۷/۳ سال
در سال ۱۳۷۹	۱۹۰۲	۲۱/۴	۲۵/۴	۳۶/۳	۴/۸ سال
در سال ۱۳۸۰	۲۳۱۲	۲۶	۱۲/۵	۲۱/۹	۴/۷ سال

مأخذ: جلد دوم گزارش اقتصادی و نظارت بر عملکرد سال دوم برنامه سوم توسعه سال ۱۳۸۱

اتکای بیش از حد بر سرمایه‌گذاری دولت یکی دیگر از موانع رشد در کشور بوده است. چرا که ما به‌ویژه در دولتهای قبلی شاهد اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری بخش عمومی به طور ناکارا و یا در

بخشهای اشتباهی بوده‌ایم. پروژه تأمین مالی شده توسط بخش عمومی اگر به طور کارا انتخاب گردد، می‌تواند مولد باشد. سرمایه‌گذاری غیرمولد بخش عمومی نیز نیازمند تأمین منابع مالی از طریق مالیاتهای مختل کننده می‌باشد. بنابر این هنگامیکه پروژه‌های سرمایه‌گذاری بخش عمومی یک کشور عمدتاً غیر مولد باشند، اثر کلی آنها کاهش نرخ رشد می‌باشد.

- ناکارایی سیستم بانکی در تخصیص پس‌اندازهای ملی به مولدترین موارد از جمله عوامل مهم در رشد پایین بوده است. بدون در اختیار داشتن مسیری مناسب جهت هدایت پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری‌های مولد و کارا، رشد اقتصادی غیر ممکن خواهد بود. لذا تداوم اصلاحات بخش بانکی یک نیاز فرایند توسعه کشور می‌باشد.

- علی‌رغم آنکه نرخ سرمایه‌گذاری فیزیکی در ایران غالباً بالا بوده است ولی به دلیل وابستگی شدید آن به منابع عظیم نفت و به دنبال آن درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت خام، نوسانهای زیادی را بر سیستم تحمیل نموده است. وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی و تکانه‌های نفتی در سالهای اخیر همچنان یکی از علل اصلی نوسانات تولید بخشی، به ویژه برای بخشهای نفت و صنعت به شمار می‌رود. این مسئله برای سالهای (۸۰-۱۳۷۸) بعد از حوادث یازدهم سپتامبر کاملاً ملموس است. تکانه‌های منفی نفتی از دو جهت تولیدات را محدود می‌کند. یکی از ناحیه محدودیتهای وارداتی (مواد کالاهای نیمه تمام موردنیاز فرایند تولید) به دلیل محدودیتهای ارزی و دیگری از جهت محدودیتهای منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری است. ایجاد صندوق ذخیره ارزی که به منظور تعدیل تکانه‌های مذکور طراحی شده است تا به حال توانسته است عملکرد مناسبی را به نمایش گذارد. مطالعات در زمینه الگوهای رشد در ایران نیز در مورد تأثیر سرمایه‌های فیزیکی بر رشد اقتصادی حاکی از تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری فیزیکی بین (۲/۰٪) تا (۵/۰٪) در ازای (۱٪) افزایش در سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی می‌باشد که حاکی از کارایی پایین سرمایه فیزیکی در اقتصاد ایران می‌باشد.

- انتقال ناکارایی پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری از عوامل دیگر تضعیف کننده رشد بوده است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران ناکافی و ناکارا است. یکی از دلایل ناکافی بودن آن این است که بخش مالی به طور مناسب پس‌اندازها را در مسیر پروژه‌های مولد سرمایه‌گذاری قرار

نمی‌دهد و تابعی از سیاستهای بخش عمومی می‌باشد. چرا که عمدتاً تحت سلطه سیستم بانکی کشور بوده و این سیستم نیز از سیاستهای بخش عمومی (نظیر تسهیلات تکلیفی) تأثیر پذیرفته است. بانکها هم علی‌رغم تسلط بر بخش مالی به اندازه کافی کارا نبوده‌اند که بتوانند نقش حساسی را که آنها باید در فرایند رشد و توسعه اقتصادی بازی کنند، ایفا نمایند به طوری که همواره در ایران وام‌دهی عمدتاً کوتاه مدت و مرتبط با تجارت بوده و حجم بسیار کمی از آنها در جهت سرمایه‌گذاری مولد بلندمدت می‌باشد. فقدان رقابت کارا و سالم بین بانکها باعث فقدان نوآوری در خدمات دهی مالی شده و با توجه به ساختار اقتصاد در ایران شرایط برای ورود در سطوح عملی و بین‌المللی رقابت فراهم نشده که مسائل مذکور باعث ناکارآمدی بانکها شده است. با این وجود در طی سالهای اخیر و ظهور بانکهای خصوصی تا حدودی در راستای شرایط رقابتی سیستم بانکی گام برداشته شده است.

- بی‌ثباتی سیاسی یکی دیگر از مشخصه‌های اقتصاد ایران و تأثیرگذار بر افزایش ریسک سرمایه‌گذاری می‌باشد. ایران همواره از آشوبها و زد و خوردهای داخلی، جنگهای منطقه‌ای (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جنگهای افغانستان، جنگ عراق و کویت و ...) در رنج بوده است. این حالت محیط اجتماعی و سیاسی رونق و شکوفایی سرمایه‌گذاری مولد را از بین برده و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده است.

- قوانین و مقررات پیچیده، مجوزها و سایر اختلالات نهادی نیز در این عملکرد نامناسب سرمایه‌گذاری سهم قابل توجهی داشته‌اند. اغلب سرمایه‌گذاران خصوصی به دلیل فرایندهای پیچیده و دست و پاگیر اداری از کشور خارج شده و یا در بخشهای غیرمولد سرمایه‌گذاری نموده‌اند و این موضوع باعث ایجاد رقابت ضعیف و اندک گردیده که منجر به ناکارایی بیشتر و عدم نوآوری سیستم اقتصادی گردیده است.

- نوسانات شدید شاخص ICOR از یک طرف و میزان نسبتاً بالای آن در طی سالهای اخیر از طرف دیگر مبین عملکرد نامناسب مدیریت بوده است. میزان بالای شاخص مربوطه یا به مفهوم تخصیص نامناسب اعتبارات دولتی بوده و یا به معنای وجود هزینه‌های مبادلاتی بخش خصوصی می‌باشد.

- وجود نرخهای بالای استهلاک یکی دیگر از مشکلات عمده بر سر راه سرمایه‌گذاری می‌باشد به‌طوری که در طی دهه ۱۳۷۰ بیش از (۶۳٪) از کل سرمایه‌گذاری ناخالص را جذب خود نموده است. این نسبت در سالهای (۶۸-۱۳۶۶) بیش از (۱۰۰٪) بوده است.

◀ فصل چهارم: بازار کار

◀ مسائل و مشکلات

- مهم‌ترین مشکلات و چالشهای بازار کار به طور فهرست‌وار عبارت‌اند از:
- بالا بودن عرضه نیروی کار و پایین بودن فرصتهای شغلی موجود
- ساختار جمعیت جوان و وجود انبوه بیکاران جوان
- بالا بودن نرخ بیکاری
- بالا بودن سهم اشتغال بخش غیررسمی در بازار کار
- عدم تعادل جنسیتی و سنی و منطقه‌ای در بازار کار
- عدم تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار متخصص
- بالا بودن هزینه مبادله در بازار کار به لحاظ تأثیرات منفی نهادهای غیراقتصادی بر عملکرد اقتصاد
- عدم چشم‌انداز روشن به منظور برون رفت از وضع موجود
- اشتغال ناقص و بیکاری پنهان و در نتیجه بهره‌وری پایین نیروی کار
- پدیده چند شغلی و پرکاری
- عدم انطباق شغل و مهارت نیروی کار
- حضور نوجوانان و سالمندان در بازار کار
- پایین بودن نرخ مشارکت زنان، روند رو به رشد آن و نیاز به ایجاد فرصتهای شغلی بیشتر برای آنها
- افزایش سهم جمعیت فعال نیروی کار دارای آموزش عالی و نیاز به ایجاد فرصتهای شغلی بیشتر برای آنها

◀ فصل پنجم: بودجه عمومی دولت

◀ مسائل و مشکلات

پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی از کل دریافتی‌های دولت به طوری که نسبت مالیات‌ها به GDP در ایران در بهترین شرایط کمتر از نصف میزان یاد شده در کشورهای نظیر هند، پاکستان، ترکیه، مالزی، کره جنوبی و تمامی کشورهای توسعه یافته بوده است.

- گستردگی اقتصاد زیرزمینی و کوچک بودن پایه مالیاتی
- عدم توجه به نقش ارشادی دولت و هدایت بخش‌ها از طریق به‌کارگیری سیاست‌های مناسب مالیاتی
- عدم کارایی سازمان مالیاتی کشور در مراحل تشخیص و وصول مالیات‌ها
- گسترده بودن معافیت‌های مالیاتی و اختلالاتی که از این طریق بر فعالیتهای اقتصادی و گروه‌های اجتماعی انتقال می‌یابد.
- تضاد سیاست کاهش هزینه‌های دولت (به قیمت‌های ثابت) با اهداف کلیدی اقتصادی کلان از جمله دستیابی نرخ رشد شتابان و کاهش و یا ثابت بودن نرخ بیکاری
- کاهش سطح رفاه اجتماعی به دلیل افزایش جمعیت و کاهش کمیت و کیفیت کالاها و خدمات دولتی (به قیمت‌های ثابت)
- کمبود و تخصیص نامناسب منابع و طولانی بودن دوره اجرای پروژه‌ها و در نتیجه غیر اقتصادی شدن بسیاری از پروژه‌ها

- نامناسب بودن وضعیت امور زیربنایی کشور برای نیل به اهداف رشد شتابان
- تداوم کسری عملیاتی بودجه عمومی با توجه به روند درآمدها و هزینه‌های بودجه عمومی دولت
- تداوم کسری واقعی بودجه دولت به دلیل تأمین بخش عمده بودجه عمومی از طریق درآمد نفت

◀ فصل ششم: شرکتهای دولتی، خصوصی سازی و توسعه بخش خصوصی

◀ مسائل و مشکلات

- اهم مشکلات فرا روی اجرای برنامه‌های اصلاح ساختار شرکتهای دولتی به شرح زیر می‌باشد:
- عدم پذیرش واقعی و کامل هدف ارتقای کارایی فعالیتها به عنوان اولویت اول هدف خصوصی سازی (به جای کسب درآمد از فروش شرکتهای)
- نبود فضای مناسب برای حضور بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی (احترام به مالکیت خصوصی، ایجاد شرایط رقابت در فعالیتهای اقتصادی، پذیرش سرمایه گذاری خارجی، تشویق سرمایه گذاریهای بخش خصوصی در فعالیتهای مولد اقتصادی، تشویق کارآفرینان)
- وجود امتیازها و استثنائهای متعدد برای فعالیت شرکتهای دولتی و چسبندگی شرکتهای به نهادهای اعمال حاکمیت دولت
- نبود نظام تحلیل هزینه - فایده اقتصادی برای مدیریت شرکتهای دولتی در سطوح کلان و خرد (هزینه - فایده عملکرد شرکتهای)

◀ فصل هفتم: بخش پولی، ارزی و تورم

◀ مسائل و مشکلات

- رشد سریع نقدینگی: رشد بالای نقدینگی یکی از مشکلات عمده کشور طی سالهای آینده می‌باشد.
- عدم تعادل در بازار وجوه (تسهیلات) از دیگر مشکلات اساسی کشور در بخش پولی می‌باشد. این امر موجب شده تا بخشی از تقاضای تسهیلات برآورده نگردد و در نتیجه افراد حقیقی و حقوقی برای تأمین نیازهای مالی به بازارهای غیر متشکل پولی مراجعه کنند و با نرخهای بالایی این نیازها را تأمین نمایند.

- وجود بسیاری از صندوقهای قرض الحسنه و مؤسسات مالی غیر بانکی در کشور که به صورت پراکنده عملیات پولی را انجام می‌دهند و عملکرد آنها نهادینه و نظام‌مند نمی‌باشد. روشن نبودن جایگاه نرخ سود در اقتصاد کشور از دیگر مشکلات اساسی کشور می‌باشد. تورم نسبتاً بالا از دیگر مسائل اساسی کشور بوده است که خود آثار اقتصادی و اجتماعی زیادی را به بار می‌آورد.

« فصل هشتم: بازار بورس و اوراق مشارکت

« مسائل و مشکلات

الف: بازار بورس

- سیستم مالی مختص ایران یک سیستم پایه بانکی در مقایسه با پایه اوراق بهادار است.
- تصویب قانون بانکی بدون ربا بر معاملات بورس نیز اثر گذاشته و ارزش معاملات را به واسطه کاهش ابزارها، به شدت کاهش داده است.
- عدم وجود مبانی حقوقی مربوط و در نتیجه عدم اعتبار بازار بورس که منجر به عدم اطمینان مردم شده است.
- عدم دسترسی شهرستانها به بازار بورس و عدم آشنایی مردم با این بازار
- عدم تصفیه معاملات در مدت قانونی و در نتیجه محدود شدن فعالیت بورس
- عدم وجود بانکهای سرمایه‌گذاری جهت پذیره نویسی و مشاوره و فروش سهام و حتی پذیرفتن ریسکهای پذیره نویسی
- عدم وجود قوانین مالیاتی مناسب
- عدم وجود قوانین و مقررات جامع برای بازار اوراق بهادار
- بسته بودن بازار بورس به روی سرمایه گذاران خارجی
- عدم وجود اطلاعات شفاف در زمینه بازار بورس
- عدم اجرای صحیح خصوصی سازی در خصوص شرکتهای دولتی

ب: اوراق مشارکت

- عدم وجود یک روش جامع و مرجع قانونی آگاه و مقتدر (افزون بر قوانین) که بتواند آثار منفی اینگونه سرمایه‌گذاری را به حداقل رسانده و سرمایه‌گذاران را آگاه سازد.
- مرجع تشخیص انتفاعی بودن طرحهای عمرانی تقریباً خود دولت است. پس یک نهاد دولتی، مسئولیت نظم دهی انتشار اوراق مشارکت را به عهده دارد که با تجارب جهانی منطبق نیست. مضافاً اینکه جایگاهها و حد و مرز سیاستهای پولی و مالی مشخص نمی‌باشد.
- تحمیل هزینه‌های سنگین انتشار اوراق مشارکت به بخش غیردولتی و وجود موانع بر سر آن
- عدم شکل‌گیری فرهنگ استفاده صحیح از اوراق مشارکت
- عدم وجود یک بازار ثانویه برای اوراق مشارکت
- عدم تعیین نرخ سود اوراق مشارکت در اکثر طرحهای دولتی هماهنگ با بازدهی آنها
- عدم بازدهی مطمئن طرحهای تعیین شده دولتی برای اوراق مشارکت

◀ فصل نهم: تجارت خارجی**◀ مسائل و مشکلات**

- وابستگی ساختار تولید و تجارت به نفت
- سهم اندک در تجارت جهانی
- پیوند بسیار ضعیف با بازار سرمایه خارجی
- ترکیب سنتی صادرات و عدم تنوع کالاهای صادراتی
- عدم توان رقابت در بازارهای خارجی به لحاظ کیفیت کالاهای تولید شده
- وجود قوانین و مقررات متناقض با اهداف رشد تجارت خارجی
- موقعیت اقتصادی و سیاسی کشور در منطقه و جهان
- مشکلات دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و شکاف تکنولوژیک با کشورهای موفق

◀ فصل دهم: توزیع درآمد

◀ مسائل و مشکلات

توزیع نابرابر درآمدها

در ایران سهم دهک بالایی (ثروتمندترین) از کل درآمدها (۳۰٪) و سهم دهک پایین (فقیرترین) تنها (۱/۵٪) می‌باشد. یعنی نسبت دهک بالا به پایین ۲۰ برابر باشد این شاخص در مقایسه ارقام بین‌المللی عدم بهبود توزیع در آمد را در دهکهای حدی منعکس می‌کند به عنوان مثال نسبت دهک بالا به پایین درآمدی در کشور پاکستان ۷/۴، چین ۱۴، لهستان ۵/۵ و برای کشورهای پیشرفته نظیر انگلستان ۱۰/۳، سوئد ۵/۴ و سوئیس ۹/۹ می‌باشد.

ناعدالانه بودن میزان بهره‌مندی اقشار آسیب‌پذیر و محروم جامعه از یارانه‌ها در مقایسه با

اقشار مرفه جامعه

آمارها نشان می‌دهد که سهم مصرف (۳۰٪) مرفه جامعه از کل مصرف بنزین بالغ بر (۶۵٪) بوده است و یارانه مستقیم بنزین برای اقشار کم درآمد در حد صفر بوده است، آنچه مسلم است این که کمکها و حمایتهای دولت ناکافی نیست بلکه ناکارآمد است. به طور مثال در سال ۱۳۷۷ شکاف فقر ۱ در حدود ۴۸۰۰ میلیارد ریال بدست آمده است در حالی که تنها میزان یارانه پرداختی به بخش مصرف و کالاهای اساسی ۵۲۰۰ میلیارد ریال بوده است و علی‌رغم حمایتها و یارانه‌های پرداختی دولت در سال فوق، درصد قابل توجهی از خانوارهای شهری و روستایی در زیرخط فقر قرار داشته‌اند.

عدم جامعیت در ارائه خدمات امور تأمین اجتماعی

بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کشور فقط در سطحی محدود از خدمات درمانی برخوردار بوده و از مزایایی همچون بیمه بازنشستگی، از کارافتادگی، بیکاری، ... بی‌بهره‌اند.

۱- شکاف فقر: هزینه‌ای که ضروری است تا خانوارهای شهری و روستایی زیر خط فقر به سطح فقر ارتقا یابند.

تعدد نهادها و دستگاههای حمایتی و امدادی

سازمان تأمین اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید، ... و عدم هماهنگی بین دستگاههای فوق، شفاف نبودن حمایت و کارکرد دوگانه و چندگانه برخی نهادهای حمایتی، ساختار تشکیلاتی چند لایه (اصطلاحاً عمودی) و غیر کارا و بوروکراسی اداری در دستگاههای حمایتی و امدادی

فقدان یک نظام مالیاتی مناسب و کارا در جهت بهبود توزیع درآمدها

◀ فصل یازدهم: بخش علم و فناوری

◀ مسائل و مشکلات

الف: تحقیق و توسعه

- ۱- پایین بودن تقاضا برای ستادهای تحقیقاتی به شکل درونزا
- ۲- عدم سازگاری میان تحقیقات و پژوهش با شرایط عمومی جامعه
- ۳- پایین بودن سهم بخش خصوصی در تحقیقات
- ۴- فقدان انگیزه در بخشهای اقتصادی برای فعالیتهای تحقیقاتی به دلیل نبود بازار مشخص و فقدان فضای رقابتی در عرصه تحقیقات کشور و پایین بودن سودآوری بنگاهها
- ۵- نارسایی در تولید و مستندسازی اطلاعات در سطح ملی و بین المللی
- ۶- فقدان همکاری میان دانشگاهها و مراکز پژوهشی با مراکز علمی خارج از کشور
- ۷- فقدان قوانین لازم جهت حمایت از حقوق معنوی پژوهشگران، مخترعان

ب: توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی در ایران، در چند دهه اخیر روند رو به بهبودی را تجربه نموده است. این بهبود ناشی از رشد نماگرهای آموزشی و بهداشتی از یک سو و اولویت گذاریهای نظام سیاسی در ارائه خدمات اجتماعی از سوی دیگر می باشد. مجموعه این اقدامها موجب ارتقای شاخص سرمایه انسانی از وضعیت

توسعه انسانی پایین به متوسط شده است. در یک دهه اخیر وضعیت نرخ رشد درآمد سرانه نقش چندان مؤثری در بهبود شاخص توسعه انسانی نداشته است و از نظر شاخصهای اقتصادی شاخص توسعه انسانی تأثیر کمی پذیرفته است. در صورتی که نماگرهای اجتماعی در ایران با کشورهای دارای توسعه انسانی بالا، ظرفیتهای بالقوه بالاتری را برای بهبود این شاخص پیشنهاد می‌کنند. چنانچه در سالهای آتی بهبود قابل ملاحظه‌ای در شاخصهای اقتصادی صورت نگیرد شاخص توسعه انسانی از این ناحیه تأثیری نخواهد پذیرفت. ارتقای شاخص توسعه انسانی در چند سال اخیر عمدتاً ناشی از سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی وسیع دولت در بخش آموزش و بهداشت بوده است. ایجاد بستر مناسب جهت تحقق بخشیدن به توانایی‌ها و استعدادهای افراد در جامعه و دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر نقش انکارناپذیری را در بهبود شاخص توسعه انسانی ایفا می‌کند.

ج: فناوری اطلاعات و ارتباطات

- ۱- وجود انحصار دولتی در این بخش
- ۲- فقدان قوانین مشخص در مورد حیطه وظایف تشکیلات سازمانی موجود
- ۳- فقدان نهادهای قانونی جهت تنظیم روابط و ایجاد شرایط رقابتی
- ۴- نامتناسب بودن نرخهای تعرفه و کارایی پایین آنها
- ۵- ناکارآمد بودن مدیریت فرکانس در بخش ارتباطات ایران
- ۶- پایین بودن نیروی کار متخصص در بخش